



## سید جلال الدین طهرانی

غلامحسین صدری افشار

یکی از چهره‌های درخشان علمی ایران در آغاز عصر حاضر برای نسل جوان امروزی ناشناس مانده است. او که زمانی فعالیت علمی و انتشاراتی چشمگیری داشت، هفتاد و هفت سال پیش، از انتشار آثارش دست کشید، سال‌ها در خارج از ایران زیست، با محافل دانشگاهی ایران سروکاری نداشت، با اینکه وزیر و سناتور و استاندار شد در هیچ طرف محبوبیتی نیافت و یک‌بار هم که نامش بر سر زبان‌ها افتاد به خاطر استعفایش از ریاست شورای سلطنت بود. اینک جای آن دارد که به کارنامه علمی این مرد بزرگ نگاهی بیندازیم.



سید جلال الدین طهرانی<sup>۱</sup> فرزند سید علی شیخ الاسلام مرنندی از روحانیان سرشناس آذربایجانی مقیم تهران بود. او در سال ۱۲۷۲ شمسی در تهران تولد یافت و پس از تحصیلات مقدماتی وارد مدرسه سپهسالار شد که در آن زمان مرکز عمده تحصیل علوم معقول و منقول بود. آقای اکبر مشعوف در مقاله‌شان درباره سید جلال الدین طهرانی معلمان او را چنین نام می‌برند: حاج آقا مهدی منجم‌باشی<sup>۲</sup> در استخراج تقویم، آقا شیخ باقر گنابادی در عرفان، شیخ سعید خوبی در رمل، آقا میرزا محمود قمی در حکمت و الهیات، آقا داود عرب در جفر، آقا غلامحسین<sup>۳</sup> در عدد، میرزا ابراهیم در طب، میرزا نظام الدین خان<sup>۴</sup> در هندسه، میرزا محمودخان کوکب شناس<sup>۵</sup> در هیئت، میرزا

۱. با توجه به اینکه سید جلال الدین نام خانوادگی خود را به سبک آن روزگار با ط می‌نوشت، همان املا حفظ شد.

۲. او در سال ۱۲۸۴ قمری جانشین پدرش حاج غلامحسین منجم‌باشی شد و به استخراج تقویم پرداخت (اعتماد السلطنه، ص ۲۰۸).

۳. دکتر غلامحسین مصاحب.

۴. نظام الدین غفاری مهندس الممالک (۱۲۶۰-۱۳۳۳ شمسی) فارغ التحصیل مدرسه پلی تکنیک و مدرسه معدن در پاریس.

۵. میرزا محمود قمی ملقب به مشیرالوزاره و مشاورالملک (۱۲۱۱-۱۲۹۹ شمسی) نخستین ایرانی دارای تحصیلات دانشگاهی در زمینه نجوم جدید.

علی‌اکبرخان<sup>۱</sup> در السنه خارجه، میرزا محمودخان پسر میرزا کاظم<sup>۲</sup> در شیمی، کمال‌الملک در نقاشی، میرزا اسدالله خان مازندرانی<sup>۳</sup> در نجوم و تعیین کواکب و موسیو برگل فرانسوی در حساب. فهرست کتاب‌های او هم، که بعدها آنها را وقف آستان قدس رضوی کرده است، حکایت از این تنوع و گستردگی مطالعات دارد: ریاضی، نجوم، هیئت و احکام ۱۷۲ جلد، لغت ۷ جلد، ادبیات ۴۲ جلد، دعا ۱۰ جلد، فقه ۶ جلد، فلسفه، حکمت، کلام و عرفان ۱۶ جلد، تاریخ و جغرافیا ۲۶ جلد، تفسیر ۶ جلد، جنگ و مجموعه ۱۱ جلد، اخلاق ۳ جلد، منطق ۲ جلد، قوانین ۱ جلد، خوشنویسی ۳ جلد، اخبار ۹ جلد، طب ۵ جلد، طبیعیات ۲ جلد، شیمی ۳ جلد، صرف و نحو ۱ جلد، معانی و بیان ۴ جلد، عقاید ۲ جلد، علوم جنگی ۱ جلد، کتاب‌شناسی ۱ جلد، علوم غریبه ۱۵ جلد، رجال ۱ جلد، موسیقی ۲ جلد، مرقع ۵ جلد.



سید جلال‌الدین طهرانی در حال رصد خوشیدگرفتگی در مشهد

۱. علی‌اکبر دهخدا.

۲. دکتر محمود شیمی.

۳. میرزا اسدالله هزارجریبی مازندرانی متولد ۱۳۰۶ق (منزوی، ج ۴، ص ۲۸۷۷ و ۳۰۱۷).

سید جلال‌الدین طهرانی با یک چنین پشتوانه مطالعاتی در کسوت روحانیت وارد جامعه شد، جامعه‌ای که به برکت انقلاب مشروطه در حال نوزایی و نوجویی بود و چشم به افق‌های تازه داشت. از میان آگاهی‌های گوناگونی که او به دست آورده بود اخترشناسی سخت شیفته‌اش می‌کرد و گویی در آن راز هستی را می‌جست.

به نظر می‌رسد او در محافل روشنفکری آن روز به خوبی پذیرفته شده بود. میرزا حسن مستوفی‌الممالک عضو یکی از معروف‌ترین خانواده‌های اشرافی و کسی که بارها نخست‌وزیر و



صفحه‌ای از گاهنامه ۱۳۱۲

وزیر شده بود، او را «برادر عزیز» می‌خواند و سید حسن مدرس، روحانی و سیاستمدار سرشناس آن روز هم‌نشین و دوستش بود، به طوری که وقتی مستوفی‌الممالک و مدرس اختلاف پیدا کردند، او را حکم قراردادند.

مستوفی چنان علاقه و اعتمادی به طهرانی داشت که در زمان نخست‌وزیری‌اش او را به معاونت وزارت معارف برگزید. ولی طهرانی نپذیرفت و گفت، این کار او را از مطالعاتش باز می‌دارد.

طهرانی به همین دلخوش بود که در گوشه باغ مستوفی (محل کنونی دانشگاه الزهرا) در زیر درخت چناری مطالعاتش را دنبال کند.<sup>۱</sup> او در عین حال این شجاعت را داشت که در سال ۱۳۰۶، هنگامی که مدرس مغضوب بود و همه از ترس حاکمان از او دوری

می‌کردند، همچنان در کنارش باشد و پیه گرفتاری را به تن خود بمالد.

قدیم‌ترین اثری که از طهرانی یافته‌ایم قواعد استخراج تقویم است در سال ۱۲۹۵/۱۳۳۶. بعد از آن به نوشته خودش تقویم احمدی است.<sup>۲</sup> اما بزرگ‌ترین کار او در آن زمان انتشار گاهنامه بود که از

۱. این درخت چنار خوشبختانه هنوز باقی است. در مهرماه ۱۳۷۹ دکتر محمد باقری به رئیس وقت دانشگاه الزهرا نامه‌ای نوشت و تقاضا کرد لوحه‌ای به یاد سید جلال‌الدین طهرانی در آنجا نصب شود و برای این کار تأییدیه‌ای هم از دکتر حداد عادل برد، ولی آن شخص از ترس غوغای عوام تن به این کار نداد.

۲. او در مقدمه گاهنامه ۱۳۰۷ می‌نویسد: «چند سال است که این‌جانب متصدی ترتیب تقویم و استخراج آن می‌باشم و برای اصلاح آن به قدر مقدور سعی کرده‌ام تا آنکه کم‌کم تقویم ایران وضع سابق خود را از دست داد و صورت آبرومندی به خود گرفت. اول مرتبه در هفت سال قبل تقویمی به نام تقویم احمدی نظیر تقاویم جدید مرتب ساختم...» اما در فهرست‌های موجود چاپی یا خطی نشانی از آن نیافتیم. در عوض وجود تقویم ۱۳۰۳ شمسی نشان می‌دهد که انتشار این تقویم‌ها ادامه داشته تا آنکه به صورت گاهنامه درآمد است.

سال ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۵ سالی یک شماره از آن را منتشر کرد. گاهنامه در آغاز نوعی «آلماناک»<sup>۱</sup> یا کتاب سال بود؛ زیرا شماره اول آن، گاهنامه ۱۳۰۶ که در قطع جیبی کوچک منتشر شده است<sup>۲</sup> (برخلاف بقیه که قطعشان ۱۱×۱۶٫۵ است، در قطع نیم‌خشتی ۱۰×۱۵ چاپ شده است)، پس از مقدمه و تقویم سال ۱۳۰۶ شمسی، شامل فهرست مصوبات مجلس شورای ملی، معاهدات ایران با دول خارجه، نمایندگان دول خارجه در ایران، چاپخانه‌های تهران، کتابخانه‌ها و کتاب‌فروشی‌ها، کتاب‌های منتشرشده در سال ۱۳۰۵، بانک‌ها و صرافی‌ها، تجارتخانه‌های معروف تهران و شهرستان‌ها، مؤسسات تجارتي دولت شوروی، مؤسسات وابسته به بلدیة، کمیسری‌ها، گاراژها و حمام‌هاست.



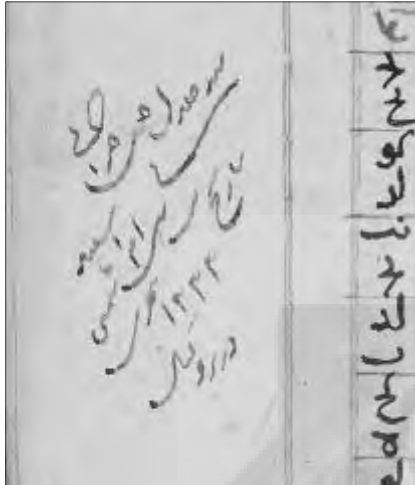
شاخص ظهري که طهرانی به صورت سنگی مکعب مستطیل در حیاط مدرسه چهارباغ اصفهان نصب کرده است. بر وجه جنوبی و شرقی این شاخص کتیبه زیر حک شده است:  
 «در روز یکشنبه ۲۹ جمادی‌الآخره ۱۳۵۱ قمری و ۷ عقرب و ۸ آبانماه ۱۳۱۱ شمسی این سنگ برای تعیین ظهر حقیقی بیادگار سفر اصفهان اینجانب سید جلال‌الدین الحسینی الطهرانی در مدرسه چهارباغ نصب شد که چون جدار غربی این سنگ سایه‌اش معدوم شد ظهر حقیقی واقع می‌گردد در زمان تولیت آقای آقا مصطفی مدرس نجل مرحوم سید عبدالحسین سیدالعراقین طول اصفهان ۵۱ درجه و ۳۵ دقیقه شرقی گرینویچ و عرض آن ۳۲ درجه و ۴۵ دقیقه شمالی استوا و انحراف قبله از جنوب به مغرب ۴۵ درجه و ۱۱ دقیقه و جنوب جغرافیایی ۴ درجه و ۵۴ دقیقه در شرق جنوب مغناطیسی قطب‌نما است ارتفاع اصفهان از سطح اقیانوس مابین ۱۴۷۵ تا ۱۵۲۰ متر است و به واسطه انکسار شعاع روزهای سال از ۳ دقیقه تا ۷ دقیقه بلندتر از روزهای حقیقی می‌شود».

گاهنامه ۱۳۰۷ پس از مقدمه و تقویم شامل این مطالب است: معرفی کوتاهی از مشاهیر

۱ almanac

۲. در غالب منابع به پیروی از شادروان ایرج افشار آغاز انتشار گاهنامه را ۱۳۰۷ نوشته‌اند، حال آنکه ۱۳۰۶ صحیح است.

جهان، فهرست اختراعات مهم و تاریخشان، تاریخ مختصر علم نجوم، قاعده به دست آوردن مساحت شکل‌های هندسی، جدول اوزان و مقادیر، دانستنی‌ها (از قبیل درمان سوختگی، رفع پشه استخرها، لکه‌گیری لباس)، وزیران و نخست‌وزیران ایران از آغاز مشروطیت تا سال ۱۳۰۶ همراه با گاه‌شماری وقایع مهم.



نمونه‌ای از خط سید جلال‌الدین طهرانی در حاشیه زیچ جامع کوشیار گیلانی، نسخه کتابخانه دولتی برلین، به شماره ۵۷۵۱.

طهرانی هر سال کتابی را هم به‌عنوان ضمیمه گاهنامه منتشر می‌کرد، به این شرح:

- ترجمه طبقات الأمم قاضی صاعد اندلسی.
  - چهارمقاله نظامی عروضی سمرقندی.
  - جهانگشای جوینی.
  - حدود العالم من المشرق الى المغرب.
  - هیئت جدید فلما ریون ترجمه طالبوف.
  - فارسنامه ابن بلخی.
  - لب التواریخ عبداللطیف سیفی قزوینی.
  - جامع التواریخ رشیدی - بخش مربوط به تاریخ هلاکو.
  - تاریخ اصفهان مافروخی (به عربی) همراه با الارشاد فی احوال صاحب ابن عباد.
  - ترجمه تاریخ قم از محمد ابن محمد ابن حسن قمی.
- او در عین حال رساله‌ها و مقاله‌هایی از تألیفات خود را در هر شماره منتشر می‌کرد که از جمله آنهاست:

- شرح حال دانشمندان ریاضیات و نجوم در شماره‌های مختلف
- شرح حال مستشرقین
- علم احکام نجوم و اصطلاحات آن
- شرح آلات رصد
- تاریخ علم نجوم در اسلام
- تصرفات علمای اسلام در ریاضیات عالی
- اصفهان، نصف جهان (سفرنامه طهرانی به اصفهان، شامل اطلاعات تاریخی و جغرافیایی)
- تاریخ ارساد مهمه
- آثار قدیمه فارس



### • صور قدیمه فلکی

نکتهٔ جالب این است که در گاهنامه هیچ نوشته‌ای از سایر نویسندگان معاصر نمی‌بینیم و همهٔ مطالب از خود او یا از پیشینیان است. نکتهٔ دیگر اینکه در هیچ شماره‌ای، جز در فهرست نخست‌وزیران و وزیران از رضاشاه نامی برده نشده است. در عوض با چاپ عکس‌های آقا سید عبدالله بهبهانی و آقا سید محمد طباطبایی از رهبران انقلاب مشروطه و آقا سید محمدحسین اصفهانی مرجع عالی‌قدر شیعیان در آن زمان، به تجلیل آنان پرداخته است.

یکی از کارهای عجیب طهرانی پیشنهاد نام‌هایی به جای نام‌های ایرانی است، از این قرار: چمن‌آرا (فروردین)، گل‌آور (اردیبهشت)، جان‌پرور (خرداد)، گرماخیز (تیر)، آتش‌بیز (مرداد)، جان‌بخش (شهریور)، دژم‌خوی (مهر)، باران‌ریز (آبان)، اندوه‌گین (آذر)، سر‌ماده (دی)، برف‌آور (بهمن)، مشکین‌فام (اسفند).

تألیفات طهرانی، جز آنها که نام بردیم، از این قرار است:

- تعلیمات دینی برای مدارس که در سال ۱۳۱۶ منتشر شده است و آقای رسول جعفریان از روحانیان فاضل معاصر چاپ صدم آن را دیده‌اند.
- اجوبة المسائل (پرسش‌های سید حسن تقی‌زاده دربارهٔ مسائل نجومی و پاسخ آنها) که در شمارهٔ ۲۹ فرهنگ ایران زمین (۱۳۷۵) چاپ شده است.<sup>۱</sup>
- بدایت الهیئت در ۶ مقاله و ۱۶ فصل.
- مسائل هندسیه تألیف در ۱۳۱۸ قمری.
- هیئت جلال که در گاهنامه منتشر شده است.
- یادداشت‌های نجومی.

اما طهرانی از تألیفاتی هم نام برده که من پیدا نکرده‌ام:

- کتاب جلال حاوی تطبیق سال‌های قمری و مسیحی.
- هیئت استدلالی با براهین مفصل و مبسوط در دو جلد.
- مثلثات کروی در قسمت ریاضیات عالی.
- رسم اشکال هندسی با یک نقاله و پرگار.
- حل مسائل مختلفهٔ ریاضی که در بحرپیمایی و مساحت به کار می‌رود.
- برخی مسائل راجعه به مجسمات قطع مخروط.

۱. نامه‌های سید حسن تقی‌زاده به سید جلال‌الدین طهرانی هم به اهتمام سید محمدحسین حکیم در نشریهٔ اسناد بهارستان (سال اول، شمارهٔ ۴، زمستان ۱۳۹۰، ص ۱۴۱-۱۹۰) منتشر شده است.

طهرانی در سال ۱۳۱۵ عازم اروپا شد، در بلژیک اقامت گزید، با دختری فرنگی ازدواج کرد،<sup>۱</sup> در دانشگاه بروکسل به تحصیل نجوم پرداخت و گویا بعدها در همان جا تدریس کرد. او در سال ۱۳۲۵ به دعوت قوام السلطنه به ایران بازگشت و به سمت وزیر مشاور و معاون پارلمانی نخست‌وزیر منصوب شد. پس از آن دو بار وزیر پست و تلگراف و دو بار نایب‌التولیه آستان قدس، چند ماهی استاندار خراسان و دو-سه بار هم سناتور شد. او با قانون اصلاحات ارضی و با قانون مصونیت مستشاران آمریکایی مخالفت کرد و به همین سبب کنار گذاشته شد. در سال ۱۳۵۵ دانشگاه بروکسل با او قراردادی بست برای تألیف تاریخ نجوم در شرق؛ اما در طول ۳۳ سال که او به ایران بازگشته بود هیچ مقاله یا کتابی منتشر نکرد. تنها می‌شنیدم کسانی برای تحصیل نجوم به خانه‌اش می‌رفتند.<sup>۲</sup> یک بار هم هنگامی که من در ترجمه مقدمه بر تاریخ علم به واژه turquet برخوردیم به خانه‌اش تلفن کردم و او گفت منظور ذات‌الحلق است.

در سال ۱۳۵۷ وقتی قرار شد شاه از ایران برود، طهرانی را به ریاست شورای سلطنت برگزیدند. او در سال ۱۳۴۲ برای رفع گرفتاری امام خمینی تلاش کرده بود و خود از خانواده روحانی بود. طهرانی برای دیدار امام به پاریس رفت و در آنجا استعفایش را از شورای سلطنت اعلام کرد و دیگر به ایران برگشت تا در سال ۱۳۶۶ وفات یافت. چهار سال پس از وفاتش جنازه او را به ایران آوردند و در مشهد به خاک سپردند.

او جز چند تلسکوپ و ابزار نجومی که به دانشگاه تهران داده بود، همه مایملکش، شامل کتاب‌ها، اسباب و اثاث و خانه مسکونی‌اش در سه‌راه امین حضور تهران را وقف آستان قدس کرد. می‌دانم که زمانی در صدد تخریب خانه او بودند تا پاساژ بسازند و سازمان میراث فرهنگی مخالفت می‌کرد، اما نمی‌دانم فرجام کار به کجا کشید.

در اینجا مناسب می‌دانم نمونه‌ای از نوشته‌هایش را نقل کنم:

وقتی ایمان داشته باشیم که باید علم را فراگیریم و سپس به دیگران بیاموزیم، هیچ‌گاه منتظر تشویق و تقدیر نمی‌شویم (گاهنامه ۱۳۱۳، ص ۳).

جوانان که در راه تحصیل معرفت و کسب دانش عمر می‌گذرانند، نباید مسامحه ورزند؛ چه آینده ایران منتظر ترقیات فکری آنان است. علم را باید برای شرف و علو مرتبه‌اش کسب کرد، نه فقط برای معیشت. باید عالم شد، نه فقط کاسب و از هیچ پیشامدی نباید مأیوس گردید و اگر عموم مردم را توجه به این معنی نباشد، نباید راه خود گردانید. (گاهنامه ۱۳۱۱، ص ۳).

۱. این ازدواج مانند ازدواج اغلب زوج‌هایی که در زندگی مشغله فکری پیگیری دارند، ناموفق بود و به جدایی انجامید.  
 ۲. یکی از اینان که می‌شناختم شادروان اکبر داناسرشت مترجم آثار الباقیة ابوریحان بیرونی بود.

دو سال از وفات لوریه نگذشته بود که اینشتن افتخار مملکت آلمان متولد شد و باز دهر نخواست روی زمین را بی فروغ و نور بگذارد؛ چه علما چراغ‌های نورانی عالم ظلمانی جهان هستند. نام اینشتن رسید نتوانستم صرف‌نظر کنم. امروز عقاید این مرد بزرگ جنجالی میان علما افکنده و از بزرگان اهل علم کمتر کسی به مطالب آن رسیده. در زمان و زمانیات و فضا و موضوع نسبیة عناوینی ایجاد کرده است و فلسفه‌اش مشهور به فرضیه نسبیة هنوز مورد فهم ما نیست. تعجب می‌کنم با وجود آنکه جز معدودی از علمای بزرگ اروپا معانی مطالب وی را درک نکرده‌اند و هنوز به حل فرمول‌های ریاضی وی واقف نیستند، چگونه در طهران در اغلب محافل حل مسائل غامضه اینشتن مطرح است. من که در این موضوع طفل مکتبی هستم چیزی نمی‌دانم که قابل بحث باشد. ولی از یکی از مدیران جراید خارج از طهران شبی شنیدم می‌گفت، من رد فلسفه اینشتن نوشته‌ام. (گاهنامه ۱۳۱۱، ص ۸۴-۸۵).

## منابع

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان، المآثر والآثار، چاپ سنگی، تهران، ۱۳۰۶.
- افشار، ایرج، فهرست مقالات فارسی، ج ۱، چاپ دوم، ۱۳۸۴.
- همو، «سید جلال‌الدین طهرانی»، مجله آینده، س ۱۳، ش ۶-۷.
- باقری، محمد، «یادداشت‌های مربوط به گزارش بازدید از بخشی از اشیای وقفی طهرانی در موزه آستان قدس و مکاتبه با دانشگاه الزهراء».
- طهرانی، سید جلال‌الدین، گاهنامه ۱۳۰۶-۱۳۱۵.
- عاقلی، باقر، شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران، ج ۱، ۱۳۸۰.
- علی‌اصغر، فاطمه، «چرا خانه آقا سید جلال تخریب شد»، وبگاه خبرگزاری میراث فرهنگی، کد خبر ۱۰۱۷۲۱، زمان مخابره ۱۵ آبان ۱۳۹۱، به نشانی،
- <http://www.chn.ir/NSite/FullStory/News/?Id=101721&Serv=0&SGr=0>
- کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، فصلنامه، ش ۲، ۱۳۷۶.
- مشار، خان‌بابا، فهرست کتاب‌های چاپی فارسی، ج ۱-۲، ۱۳۵۲.
- همو، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ج ۲، ۱۳۴۰.
- مشعوف، اکبر، سید جلال‌الدین طهرانی رئیس شورای سلطنت، وبگاه مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، به نشانی:
- [http://www.iichs.org/index.asp?id=924&doc\\_cat=7](http://www.iichs.org/index.asp?id=924&doc_cat=7)
- منزوی، احمد، فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، تهران، ۱۳۸۲.